

تبیین نقش نهاد جهادسازندگی در حماسه‌ی آمل

روزبه نصیری آملی¹، هادی باقری²

انقلاب اسلامی یکی از نادر انقلاب‌های قرن بیستم محسوب می‌شود که با خصایص ضد موناشرشی، ضد دیکتاتوری، ضد امپریالیستی، مردم‌سالاری و جمهوری اسلامی تعریف شده است که هدف آن اضمحلال رژیم پادشاهی و تغییر بنیادی نظام اجتماعی، اعتقادی و اقتصادی کشور بود. ایجاد نهاد جهاد سازندگی گامی مهم از سوی امام راحل (ره) در راستای تغییر مدیریت توسعه روستایی بود که چند ماه بعد از انقلاب با نیروهای داوطلب مردمی با متحد ساختن داوطلبانه نیروهای مردمی خصوصاً دانش‌آموزان، دانشجویان؛ برای ایجاد خط ارتباطی بین روشنفکران و محرومان؛ کمک به توسعه اقتصادی روستا؛ تبلیغ فرهنگ انقلاب اسلامی در مناطق روستایی و اهداف ضمنی مهم دیگری از جمله قطع نفوذ گروه‌های چپ مارکسیستی در مناطق روستایی و اشاعه پیام انقلاب میان روستاییان و کسب حمایت توده‌های روستایی تشکیل شد. ویژگی مهم و انکارناپذیر حماسه ششم بهمن سال 1360 در شهر آمل مردمی بودن آن است، یکی از نهادهای مهمی که نقش آن در ابعاد مختلف خلق این حماسه کنار مردم مغفول مانده است نهاد جهاد سازندگی است فرض این تحقیق، نقش پررنگ جهاد سازندگی شهرستان آمل در مبارزه با گروهک‌های سیاسی وابسته و مدعی خلق (توده مردم) است. این نقش با جلب مشارکت مردم در امنیت پایدار و درسایه نهادسازی هوشمندانه‌ی ولایت مطلقه فقیه موثر و بی‌بدیل بود. دراین مقاله از روش تحلیل اسنادی که از انواع روشهای کیفی است استفاده شده و اسناد و مدارک موجود شامل کتب، مقالات و مصاحبه با جهادگران برای تبیین نقش تاریخی نهاد جهادسازندگی در حماسه مردم آمل را بررسی می‌نماییم.

واژگان کلیدی: امام خمینی، حماسه آمل، ولایت فقیه، جهادسازندگی، نهادسازی

¹ دکترای جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد آمل و عضو ستاد مردمی گرامیداشت حماسه آمل
nasiriamoli@gmail.com

² کارمند جهاد کشاورزی شهرستان آمل و عضو ستاد مردمی گرامیداشت حماسه آمل

مقدمه:

انقلاب اسلامی ایران در زمره آن دسته از رویدادهای بزرگ قرن بیستم میلادی قرار می گیرد که به صورت همزمان دارای مؤلفه های محوری و اثرگذار سیاسی و فرهنگی است، این انقلاب منجر به تحولات فراگیر در زمینه فرهنگی جامعه و نظام حکمرانی ایران شد و مؤلفه های هویتبخش کم نظیر را که برخاسته از مذهب تشیع بود در ساحت سیاست کشور مطرح ساخت. یکی از پیامدهای این تغییر فرهنگی نهادسازی بود که نوعی مداخله فعال و پایدار در حوزه سیاستگذاری فرهنگی محسوب میشود.

نهادها با کاهش تضادها و مشخص کردن معیارهایی برای رفتارهای فردی و اجتماعی امکان ایجاد وفاق و وحدت در جامعه را فراهم می نمایند. اجماع، وفاق، تعارض، دموکراسی، مدارا، همکاری، هماهنگی، مخالفت و هریک از مناسبات اجتماعی تحت تأثیر و نفوذ مستقیم و غیرمستقیم نهادها هستند. همچنین معیار موفقیت یک انقلاب، با استقرار نهادهایی که بنا نموده مشخص میشود. از آنجاکه استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز نیازمند نهادسازی در زمینه های مختلف بود؛ امام خمینی با نهادسازی در جهت تأسیس و تثبیت آن نقش مهمی در این زمینه ایفا نموده اند.

در آغاز انقلاب و به دلیل روحیه انقلابی و اشتیاق وصف ناپذیر اقشار مختلف مردم به مشارکت های مردمی در آبادانی کشور، در هر جای کشور گروههایی به نامهای مختلف، برای عمران مملکت شروع به کار کردند. در این میان انجمنهای اسلامی دانشجویان به صورت متشکلتر و منسجمتر به این فکر افتادند که خرابه ها را بسازند. با قشرهای مختلف ارتباط گرفتند، با دولت موقت به گفتگو نشستند و بالاخره با امام مسئله جهاد سازندگی را مطرح کردند. امام که منتظر چنین فرصتی بودند که عده ای به سازندگی مشغول شوند فرمان تشکیل جهاد سازندگی را دادند. پس از آن آیین نامه ای نوشته شد و با تهیه ی مهر و شعار "همه با هم" و آیه ی شریفه "قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا..." تا حدودی مقدمات فراهم شد. در همین راستا بود که هسته ی اولیه ی جهاد در انجمن اسلامی دانشکده فنی دانشگاه تهران آغاز به کار کرد. این گروه شورای هماهنگی انجمن های اسلامی و سازمان های دانشجویان مسلمان از همه واحدهای آموزش عالی تهران بودند. (پایگاه اطلاع رسانی سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس، 2015)

سازمان ها و نهادهای مردمی (انقلابی) کم و بیش ویژگی عام انقلاب های اجتماعی را به ویژه در قرن بیستم تشکیل می دهد که معمولاً نوعی سازمان های دولتی موازی را به منظور تحکیم قدرت نظام نوپا ایجاد می کند. مانند جهاد سازندگی که تجسم عینی تغییر نهادی انقلابی است که ویژگی های انقلاب را به لحاظ زمینه و آرمان ها منعکس می سازد. در این بین اگر چه نهاد جهاد سازندگی با انگیزه تغییر سبک مدیریت برای سازندگی با تکیه بر با نقاط مستضعف به ویژه روستاهای محروم کشور اما توجه به چهار هدف راهبردی این نهاد از بدو تأسیس قابل تامل و تا اندازه ای به تبیین عنوان این مقاله کمک خواهد کرد.

ایجاد جهاد سازندگی دومین گام در راستای تغییر مدیریت توسعه روستایی بود که چند ماه بعد از انقلاب با تشکیل نیروهای داوطلب مردمی با اهداف اعلام شده زیر به وجود آمد:

- متحد ساختن داوطلبانه نیروهای مردمی خصوصاً دانش‌آموزان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان
- ایجاد خط ارتباطی بین روشنفکران و محرومان؛
- کمک به توسعه اقتصادی روستا؛
- تبلیغ فرهنگ انقلاب اسلامی در مناطق روستایی، و اهداف ضمنی مهم دیگری از جمله قطع نفوذ گروه‌های چپ مارکسیستی در مناطق روستایی و اشاعه پیام انقلاب میان روستاییان و کسب حمایت توده‌های روستایی.

بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی در فرازی از متن فرمان خود برای تاسیس جهاد سازندگی آورده اند " و من به همه ملت، به همه اشخاص که در این روستاها و دهات به سر می‌برند، پس از اینکه به همه‌شان دعا می‌کنم و عرض ارادت، یک سفارش دارم و آن اینکه توجه کنند کسانی که برای ساختن و برای سازندگی و برای جهاد سازندگی در دهات می‌آیند، در روستاها می‌آیند، توجه کنند که مبدا خدای خواسته در بین آنها یک اشخاصی نباشد که بر خلاف روئے ملت، بر خلاف اسلام، مسائلی داشته باشند. اگر یک همچو اشخاص دیدند، فوراً آنها را از ده کنار بگذارند، و نگذارند در بین جوانان ما، در بین روستاییان ما، تبلیغات سوئی بکنند." (امام خمینی 1389:135)

اتحادیه کمونیست‌ها براساس مشی مائوئیستی خود استقرار درجنگل را به عنوان استراتژی خود قرار داده بود تا به زعم خود روستاییان را جذب نموده و با آزاد سازی روستاها و بسیج روستاییان یک قیام مسلحانه توده ای را به راه اندازد و با تشکیل ارتش خلق شهرها را یکی پس از دیگری آزاد و حکومت مرکزی را ساقط نمایند، (خانی 1395:63)

بنابر نقش تعیین شده و وظایف نهاد جهاد سازندگی و فرمان امام خمینی در تشکیل این نهاد از سویی و چهار چوب نظری اتحادیه کمونیست‌ها به عنوان مهاجمان به شهر آمل تقابل نهاد جهادسازندگی از جهت فرهنگی و اندیشه ای با این جریان ضد انقلاب اجتناب ناپذیر است.

براین اساس پژوهش حاضر برآنست تا به این پرسش اصلی پاسخ دهد: نهاد جهاد سازندگی که مبتنی بر اندیشه سیاسی و سیره عملی امام خمینی در ابتدای انقلاب اسلامی تاسیس شده است چه نقشی در مقابله با اقدام اتحادیه کمونیستهای ایران در حمله به شهر آمل داشته است؟ به منظوری پاسخ به این سؤال، از روش تحلیل اسنادی که از انواع روشهای کیفی است استفاده شده و اسناد و مدارک موجود شامل کتب، مقالات و مصاحبه با جهادگران حاضر در حماسه ششم بهمن بررسی و تبیین میشود.

چهارچوب نظری:

نظریه ولایت فقیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی توسط امام خمینی احیا شد. امام خمینی به عنوان رهبر و

زماندار نظام اسلامی افزون بر احیای نظریه ولایت فقیه، محدوده اختیارات آن را نیز با طرح نظریه «ولایت مطلقه فقیه» مشخص نمودند. بر این اساس محدوده اختیارات حکومتی ولی فقیه، در محدوده اختیارات پیامبر (ص) و ائمه (ع) است و تنها تفاوت ولی فقیه با ایشان در زمینه شان نبوت و امامت ایشان است. به اختصار به برخی از سخنان ایشان که به تفصیل امروز ولایت مطلقه فقیه اشاره میشود.

امام خمینی «ولایت مطلقه فقیه» را از راه های گوناگون اثبات کرده است: از جهت عقلی، امام می فرماید: «ولایت فقیه، از موضوعاتی است که تصور آن ها موجب تصدیق می شود و چندان به برهان احتیاج ندارد. به این معنا که هر کس عقاید و احکام اسلامی را حتی اجمالاً دریافته باشد چون به «ولایت فقیه» برسد و آن را به تصور آورد، بی درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت...»

سر مطلب این است که امام خمینی ولایت فقیه را تداوم امامت ائمه و در نتیجه مشمول همه ادله عقلی و نقلی امامت می داند؛ زیرا هم نظام اصلح و احسن جوامع بشری که هدف آفرینش جهان عینی است و هم قاعده لطف، که هر دو به حکمت خدای سبحان مستنداند، اقتضا دارد که در عصر احتجاب جامعه از ظهور امام معصوم علیه السلام، شعاع نیابت آن حضرت بر مردم بتاید. این جا است که امام را حل فرمود: ادله امامت، عیناً دلیل بر لزوم حکومت بعد از غیبت ولی امر (عج) است. «هم چنین پس از اقامه دلیل عقلی بر حکومت اسلامی در همه اعصار، چنین فرمود: «آن چه ذکر کردیم از واضحات عقل است. لزوم حکومت برای گسترش عدالت، تعلیم و تربیت، حفظ نظم، رفع ظلم، سد ثغور و منع از تجاوز اجانب از واضح ترین احکام عقول است، بدون تفاوت بین زمانی با زمان دیگر یا سرزمینی با سرزمین دیگر.»

امام خمینی ولایت فقیه را نه تنها برخاسته از متون دینی - اسلامی می داند، بلکه آن را برخوردار از چنان جایگاه دینی - اسلامی می داند که پس از اصول اعتقادی در رتبه نخست احکام الهی دانسته و برتر از همه احکام و فروع دینی شمرده است. اینک برخی از فرازهای سخنان ایشان در این زمینه نقل می شود:

«حکومت ... به معنای ولایت مطلقه ای که از جانب خدا به نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم واگذار شده، ... از اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعی الهیه حتی نماز، روزه و حج تقدم دارد... حکومت می تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در مواقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک جانبه لغو کند و می تواند هر امری را چه عبادی و یا غیر عبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند، حکومت می تواند از حج که از فرائض مهم الهی است در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی می دانست موقتاً جلوگیری کند... ولایت فقیه و حکم حکومتی از احکام اولیه است. (پایگاه رسمی نشر اندیشه های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران) از وقتی آگوست کنت، نهاد را به عنوان یک عامل اجتماعی محسوب کرد. اهمیت آن به عنوان تشکیل دهنده ی نظام اجتماعی برای جامعه شناسان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و تاکنون نیز ادامه دارد.

امیل دورکیم، هم در تعریفی که از جامعه شناسی ارائه داده است آن را علم نهاد اجتماعی می نامند. به نظر الکس اینکلس چهار فرد تاثیر گذار جامعه شناسی (کنت، اسپنسر، دورکیم، ماکس وبر) درباره موضوع جامعه شناسی هم عقیده هستند. آنها معتقدند که جامعه شناسی اولاً باید بر مطالعه ی نهاد های گوناگون از خانواده تا دولت و حکومت بپردازد. ثانیاً معتقدند که موضوع منحصر به فرد جامعه شناسی را در میان نهادهای گوناگون پیدا کرد. تکامل گرایان با در نظر گرفتن یک نهاد می کوشند چگونگی مراحل تکامل جامعه را به طور کلی شکل آن نهاد را قالب گیری کنند. پیروان مکتب «ساختی - کارکردی» در عوض سعی می کنند تا تاثیر نهاد را در طرز کار جامعه تجزیه و تحلیل کنند. یکی از راهبردها و اقدامات بسیار مهم و اساسی که امام خمینی که به درستی اتخاذ کردند و در سرنوشت انقلاب و عبور آن از فراز و نشیبهای پس از انقلاب بسیار تاثیرگذار بوده، تاسیس و ایجاد نهادهای انقلابی بود. معمولاً تاسیس نظام به عنوان مرحله دوم انقلاب بسیار حساس و دشوار میباشد و با توجه به تغییر جهت گیری ها و خلق موقعیتهای تازه، مهمترین مسئله ی دوران پس از پیروزی انقلاب است. لازم به یادآوری است که یکی از مهمترین مراحل "نظام سازی" در هر انقلابی، مقوله ی "نهادساز" در آن انقلاب است که میتواند در تربیت و استقرار نظام جدید نقش اساسی ایفا نماید. « از همین روی پس از انقلاب به سرعت شاهد تاسیس نهادهای انقلابی به فرمان رهبر انقلاب اسلامی، امام راحل(ره) هستیم. (فروزنده، 1399)

«همه باهم جهادسازندگی» در فرمان بیست و هفت خرداد ماه سال 1359 حضرت امام خمینی(ره) در آن برهه زمانی، بسیار هوشمندانه و تاریخ ساز بود. امام چنین فرمودند: «ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت. ملتی که به حمدالله مهیا برای کمک و فداکاری بوده و هستند... خائنین رفتند، و اگر تتمه ای هم باشد، یا همت ملت خواهند رفت. لکن این دیوار شیطانی بزرگ که شکست، پشت آن دیوار خرابی ها زیاد است؛ ما باید به همت ملت آن خرابی ها را ترمیم کنیم. ناچاریم که به ملت متوجه بشویم برای سازندگی، برای این که ترمیم کنیم این خرابی ها را که در طول مدت حکومت جائر پهلوی در مملکت ما حاصل شده است و به حمدا... ملت ما راجع به سازندگی... مهیا بودن خودشان را اعلام کرده اند. دانشجویهای عزیز، متخصصین، مهندسی و بازاریان، کشاورزان، همه قشرهای ملت، داوطلب برای این است که ایرانی که به طور مخروبه به دست ما آمده است، بسازند. از این جهت، باید ما بگوییم یک جهادسازندگی، موسوم کنیم این جهاد را به "جهادسازندگی" که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسی، شهری و دهاتی، همه باهم باید تشریک مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است بسازند. البته آنجاهایی که... می گویند برق نداریم، خانه نداریم، آب نداریم، آسفالت نداریم، بهداشتی نداریم؛ و همه هم صحیح می گویند. بنابر این بوده است که این طور ایران را خراب کنند... {جهادسازندگی} تحت نظر کارشناس، مامورین دولت کارها را انجام بدهند، و روحانیونی که در همه جای بلاد به حمدا... هستند، در این امر آنها هم تشریک مساعی کنند، نظارت کنند... خداوند به همه شما اجر عنایت می کند، و همان ثوابی را که شما از زیارت ها می خواهید، خداوند به شما در این جهاد خواهد داد.» (امام خمینی: 1358)

وضعیت جهاد سازندگی سال 1360 در آمل از جمله روحانیون شاخصی که در شکل گیری و ارائه طریق نهاد جهاد سازندگی اثرگذار بودند می توان از حضرت علامه جوادی آملی یاد کرد که در تشکیل جهادسازندگی آمل دستوراتی را صادر کردند. برخی چهره‌های انقلابی و خدوم از روحانیون جوان و انجمن اسلامی معلمان در رابطه با تشکیل جهاد، پرتلاش ظاهر شدند. حضور دانشجویان تازه‌کار ولی پرشور و خط امامی برای پیشبرد امور جهادسازندگی در همه ابعاد و فعالیت‌های گسترده این نهاد موثر بود. همکاری و جذب نیروهای کارآمد و مامور از ادارات به‌ویژه آموزش و پرورش کانون توجه بود. پس از یک سال و اندی از آغاز فعالیت جهادسازندگی در شهرستان آمل، حاج علی‌اوسط محمدی³ چهره فرهنگی و درد آشنای نظام و انقلاب اسلامی بنا به ضرورت سازماندهی جدید و فعال سازی جهاد آمل به این جمع پیوستند. نیروهای دیگر و دانشجویانی هم که از همان سال‌های اول اضافه شدند، همیشه پای کار بودند. پختگی و کارآمدی حاج علی اوسط در جهاد و خدمت، الگویی جهادی موفق برای دیگران بود. او اهل مطالعه و تدبیر بود؛ نکته سنج، حسابگر و خلاق و مدیر، باعشق و شور انقلابی، عنصری فعال و پایمند به ارزش‌ها بود، او فهم و درکی عالی برای تجزیه و تحلیل مسایل و آرایه راهکارهای بهینه داشت. الگوی «همه با هم جهادسازندگی» را به خوبی در آمل بنیان گذاشت. این تلاش‌ها با هم‌فکری و کمک سایر جهادگران مخلص، خوب به بار نشست. می‌توان گفت تلاش غیر قابل وصف جهادگرانی نظیر حاج علی‌اوسط‌ها، توانست به چهره‌ی کریه فقر مطلق و محرومیت گذشته در سطح روستاهای کشور تغییر داده و با شرایط مطلوب نزدیک کند. با جلب مشارکت عامه مردم، بدینوسیله، تامین امنیت پایدار را با اقدامات ایجابی و سلبی فراهم کرد.

فعالیت جهادسازندگی آمل با تلاش خستگی‌ناپذیر و نظم مثال‌زدنی جهادگران در اغلب امور، فرهنگی و اجتماعی، و تولیدی تا پشتیبانی جنگ و کمک به امنیت مناطق نقش فعال و پررنگی داشت. فعالیت گسترده هشتاد عضو در امور کشاورزی، دامپروری، امور جنگل و مراتع، کمک به واگذاری زمین، داشتن فعالیت معدنی و صنایع دستی، خانه‌سازی و فقرزدایی، تقریباً کلیه خدمات روستایی نظیر بهداشت و درمان، سوادآموزی، امور فرهنگی و اجتماعی، همچنین خدمات زیربنایی نظیر پل‌سازی، راه‌سازی، احداث حمام عمومی و حمام ضدکنه دام، مدرسه‌سازی، آبرسانی و غیره‌ی در مناطق روستایی با مشارکت عامه‌ی مردم برعهده داشت. جهادسازندگی آمل به جهت تامین بودجه نیز خودکفا بود؛ با داشتن چند واحد کارگاه تولیدی شن و ماسه، بلوک‌زنی، سه باب استخراج معادن یا فراوری مواد معدنی و همچنین بهره‌برداری از طرح جنگل (محل اختفای اتحادیه کمونیست‌ها) از شرایط ممتازی در بین شهرستان‌های مازندران (و گلستان فعلی) برخوردار بود.

³ حاج علی‌اوسط محمدی، شهید شاخص فرهنگی و جهادگری نستوه؛ از اواخر سال 1359 لغایت 1363 مدیر داخلی و عضو موثر شورای مرکزی و مسئول پشتیبانی جنگ جهادسازندگی شهرستان آمل (و محمودآباد) بود. او با سابقه مبارزاتی گسترده با کفر و الحاد دوران ستم‌شاهی پهلوی و همچنین مقابله‌ی با گروهک‌های سیاسی و جریان‌های منحرف بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حضوری پررنگ داشت. حاج‌علی‌اوسط پس از چند بار اعزام به جبهه در نهایت در 22 اسفند 1364 در سه راه مرگ کارخانه‌ی نمک از منطقه عملیاتی فاو (والفجر) به فیض شهادت نایل شد.

جهادسازندگی آمل در امور مهندسی رزمی و پشتیبانی مناطق جنگی، کمک به امور امنیتی و مبارزه با گروهک‌های منافقین و کمونیست‌ها نیز با جلب مشارکت مردمی نقش اطلاعاتی و پشتیبانی فعالی داشت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نهادهای مردمی زیادی شکل گرفته‌اند. در این میان، دو نهاد سپاه و جهاد مکمل هم و بسیار تاثیرگذار بودند؛ باهم اغلب وظایف کلیدی و اداره امور فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی جامعه را برعهده داشتند. در آمل و خیلی از مناطق دیگر، تشکیل و هدایت عناصر زیر مجموعه‌ی اتحادیه انجمن‌های اسلامی محلات شهر و روستای شهرستان و پیگیری کار مردم از طریق شبکه‌ی اجتماعی مذکور بر عهده این دو نهاد مهم انقلاب اسلامی بود. در حماسه مقاومت اسلامی سال 1360 مردم آمل، جهادسازندگی نیز همپای سپاه و سایر نیروهای نظامی و انتظامی نقش داشت. پشتیبانی جنگ و ارتباطات گسترده مردمی همراه با امور عمران و آبادی روستاها با جهادسازندگی بود. عموم مردم آن‌قدر با عوامل جهادسازندگی راحت بودند که با هیچ ارگان و نهاد دولتی این اندازه راحت نبودند. همسایه‌ها اگر نیمه‌های شب مریضی داشتند، می‌آمدند و از جهاد تقاضای خودرو برای انتقال بیمارشان به درمانگاه داشتند.

در مصاحبه جهادگر حاج علی شعبانزاده از آن دوران آمده، نهادهای در رفع مشکلات مردم پیش‌قدم بودند؛ دهه اول انقلاب، جبران عمده خلاءهای نظام اداری و محلی برعهده جهاد و سپاه بود. مردم حتی برای رفع اختلافات خانواده‌گی و محلی به ما مراجعه می‌کردند. ماشین جهادسازندگی به هرجایی می‌رفت، مردم می‌گفتند ماشین امام خمینی آمد. مردم اعتماد عجیبی به سپاه و جهاد، این دو بال انقلاب داشتند. روزی برای حل مشکلات مردم، از جمله آرایه خدمات دانداری و آموزش استفاده صحیح از مراتع و چرای اصولی دام، به روستای نوسر لاریجان رفتیم. آن‌جا با حجم عظیم شکایات و اعتراضات مردم پایین لاریجان مواجه شدیم. اما با نشان دادن ابلاغ جهاد سازندگی و صحبت کردن ما، غائله‌ی درگیری بین اهالی پایان یافت؛ مردم از ما تشکر کردند که به موقع آمدیم و مسایل را کارشناسانه حل و فصل کردیم. رئیس پاسگاه ژاندارمری از همکاران جهادی تشکر داشتند. مردم به نهادهای انقلابی از جمله جهاد اعتماد کافی داشته و در جهت تحقق فرمان حضرت امام مبنی بر «همه باهم جهاد سازندگی» همه گونه همکاری و همراهی آبادانی و امنیتی را با جهاد داشتند. ای کاش این همه احساسات پاک، مسئولیت و خدمت‌گزاری و گوش به فرمان بودن تشکیلات "همه باهم جهادسازندگی" بعد از سال‌ها خدمات متعالی به مردم محروم کشور به ویژه روستاها و مهندسی رزمی در کنار سپاه باقی می‌ماند. این دو بال برای پرواز بود. هرچند سازمان بسیج سازندگی در سپاه دایر و منشا خدمات ارزشمندی شد، و اگرچه بسیج سازندگی ما را به یاد آن‌روزها می‌اندازد؛ اما خدمات گسترده‌ی جهادسازندگی، با الگویی جهادی برای نظام اداری کشور و پرورش نیروهای انسانی کارآمد متخصص، متعهد و مردمی نیاز روز جامعه در حال گذر آن زمان بود. (مرکز اسناد ستاد مردمی گرامیداشت حماسه اسلامی ششم بهمن، 1402)

برادر پاسدار جلیل اسدی نیز از آن دوران می‌گوید: مراودات بین بچه‌های سپاه، جهاد، کمیته خیلی صمیمی و نزدیک بود، حتی در مراسمات یکدیگر

شرکت می‌کردیم. گزارش سردار ناصرشبنانی (محمد شعبانی) فرمانده سابق سپاه آمل، هم می‌تواند مهر تاییدی بر مدیریت جهادی، همکاری نزدیک بین جهاد و سپاه در جریان جنگل و حماسه مقاومت اسلامی مردم آمل در سال 1360 باشد.⁴

موقعیت ضدانقلاب در جنگل

حماسه‌ی عظیم مردم آمل در ششم بهمن سال 1360 بسیار تاریخی و به موقع بود. چراکه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی رگه‌هایی از نفوذ عوامل ضدانقلاب در درون جنگل دیده می‌شد. با تشکیل و انسجام بیشتر ارکان نظام جمهوری اسلامی، گزارش‌های مردمی حاکی از حضور بیشتر عوامل گروهک‌های سیاسی (طیف منافق، معاند و محارب) بصورت موردی در دل جنگل داشت؛ تا اینکه اواخر تابستان 1360 گزارش مردمی از روستاها و عوامل مرتبط، از استقرار و اختفای آنان در جنگل بیشتر و بیشتر شد. حساسیت، مجاهدت و فداکاری حاج علی‌اوسط در پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی (قبل از سال 1360) هم زبان‌زد انقلابیون شهرستان آمل بود. او از زمان عضویت و هدایت انجمن اسلامی نوپای معلمان آمل با توطئه‌ها و اغتشاشات بی‌شمار گروهک‌های سیاسی ضدانقلاب در سطح شهر، روستاها، کارخانجات و معادن بزرگ آمل به جهات تحریک، نفوذ و خرابکاری (از جمله تعطیلی کشتادن واحدهای تولیدی و دسترسی به مواد منفجره معادن) مبارزی هوشمند و فعال بود. حضور ایشان در جهادسازندگی و آن برهه از انقلاب اسلامی در آرایه‌ی الگوی مدیریت جهادی نیز کارساز شد.

در این ایام سرنوشت‌ساز، مدیریت مردمی و بی‌بدیل دو عنصر خدوم و جان‌برکف: شهید علی‌اوسط محمدی از جهادسازندگی و سردار جانباز شهید حاج محمد رنجبر فرمانده طرح جنگل سپاه آمل- با هماهنگی اولیه و تاکید آنان مبنی بر ضرورت همکاری همه جانبه لجستیکی و اطلاعاتی- قدم‌های محکمی برداشته شد. برای شناسایی افراد مسلح در داخل جنگل؛ هماهنگی‌ها و فعالیت‌های آغازین با ایجاد شبکه‌ی اجتماعی رابطین جنگل پایه‌گذاری، و سمت و سو یافت. آن زمان جهاد علاوه بر مجری سازندگی و آبادانی روستاها و مناطق محروم، وظایفی نظیر مدیریت بهره‌برداری از واحدهای تولیدی مختلف: معدن و کارخانه‌ی گچ رزن در کیلومتر 48 آمل بلده، نظارت بر تولید و همین‌طور توزیع آهک هردورود در کیلومتر 44 آمل بلده، معدن ذغال سنگ منطقه‌ی کرسنگ در جاده هراز- کیلومتر 20 آمل (ارتفاعات پشت مجتمع خدماتی و رفاهی نارنجستان فعلی) و به ویژه طرح بهره‌برداری از جنگل غرب هراز با مرکزیت ایستگاه محمدآباد جاده هراز کیلومتر 13 آمل را همانند دژی محکم دور جنگل در اختیار داشت.

از این‌رو، کارگران و مالداران شریف، و قرق‌بانان سخت‌کوش طرح‌های بهره‌برداری جنگل و معادن، با کمک گسترده شبکه‌ای از عوامل مردمی و روستایی چند آبادی محروم اطراف (جنگل)، جهادسازندگی آمل را در جهت همکاری اطلاعاتی- لجستیکی یاری می‌دادند. از طرف دیگر، قبل از تشکیل و فعال شدن پایگاه‌های مقاومت بسیج، سازماندهی و هدایت اتحادیه‌ی

⁴ برای مطالعه بیشتر رج. شود: شعبانی، ناصر؛ مقاومت مردمی در حماسه آمل- واکاوی واقعه ششم بهمن 1360، از جمله صفحات 338، 366، 486

انجمن‌های اسلامی شهر و روستا نیز با جهاد و سپاه بود. با وجود آن‌که تعداد نیروهای عضو جهادسازندگی شهرستان آمل (و محمودآباد) زیاد نبود؛ در شرایط خاص زمانی با حجم محرومیت بالا و بجا مانده از چهارصد روستای منطقه (از دوران رژیم ستم‌شاهی)، کار گسترده خدمات جهادی و رفع محرومیت مناطق، همراه با تلاش شبانه‌روزی امنیتی اعضای آن قابل ستایش است.

در این شرایط حساس لازم بود، جهادگران آمل ضریب هوشیاری‌شان را در کلیه سطوح مدیریتی بیشتر کنند. آنان در تامین امنیت مردم چه به صورت مستقیم و غیرمستقیم نقش بازی می‌کردند و حتی مسلح شدند. بدین ترتیب با اعمال کشیک (مسلح) شبانه، علاوه بر کار و تلاش روزانه همکاران (و جدا از نگهبانی معمول حفاظت فیزیکی)، در حفظ و حراست از مردم محلات شهر و روستا، نیروها و اموال منقول و غیرمنقول نهاد جهادسازندگی آمل تشکیلاتی‌تر و فعال‌تر شدند. در این بین به طور متناوب علاوه بر کار طاقت‌فرسا (و دیروقت) روزانه، هر شب 8 تا 10 نفر در نقش نیروهای مسلح فعال بودند؛ سپس بدون استراحت کافی، روز بعد به کار و خدمت جهادی خود مشغول می‌شدند.

علاوه بر اطلاعات کارگران معادن و قرق بانان جنگل، گزارش ده‌ها نیروی اطلاعاتی مردمی از روستاهای اطراف جنگل، با کار منظم و هدفمند شناسایی در وسعت سی-چهل هزار هکتار از اراضی جنگلی غرب رودخانه هزار هرتشب گردآوری، دسته‌بندی و در اختیار واحد اطلاعات عملیات طرح جنگل سپاه آمل قرار می‌گرفت. ماشین آلات و امکانات جهاد، وقت و بی‌وقت، به صورت شبانه‌روزی (با اشاره‌ی برادران سپاه) به گشت‌زنی و مأموریت‌های مرتبط با کسب اطلاعات مردمی می‌پرداختند. قبل از هجده آبان 1360، دیده‌بانی و کسب اطلاعات مربوط، موردی با ارزش تلقی می‌شد. در این دیده‌بانی از مقرهای سه‌گانه و چادر اقامتی نه‌گانه دشمن در نواحی جنگلی بالای روستای عالی‌کیا سلطان (بخش امام‌زاده عبدالله)، محدوده بیضی شکل قله منگلم تا حاشیه رودخانه آلیشی‌رود، در کمال موفقیت و از فاصله‌ی نزدیک انجام شد.

دو تن از راهنمایان محلی جهادی به اتفاق دو تن از فرماندهان سپاهی، با خودرویی از نوعی که مورد استفاده افراد بومی بود- نیسان قرمز رنگ جهاد- عازم جاده‌ی فرعی روستای جنگلی سنگ‌درکا زیر دکل سراسری برق شدند. پس از رسیدن به روبروی قله منگلم توقف کرده و مشغول دیدبانی با دوربین شدند. یک نیروی جهادی نیز با بالا زدن کابوت ماشین، خود را به ظاهر مشغول تعمیر خرابی ماشین نشان داد. در این لحظه دو موتورسوار به صورت مشکوک از کنار خودرو رد شدند؛ برجستگی سلاح کلاشینکف از پشت اورکت نفر دوم سوار بر ترک موتورسیکلت قابل تشخیص بود. با این وصف، نیروی جهادی به کار نمایشی (تعمیر ماشین) خود ادامه داد تا مورد ظن نیروهای مسلح جنگلی واقع نشود. صحنه‌سازی نمایشی، کارساز بود، اگرچه ماشین نیسان دولتی با آرم جهادسازندگی، اسب پیشانی سفید بود، اما پنهان‌کاری شدید دشمن موجب شد، اقدامات مسلحانه آنان در جنگل تا این مرحله از زمان، از چشم دیگران مخفی بماند. این خود مزید بر علت بود تا اوضاع با ظاهری عادی برای ضد انقلاب و هم سپاهیان اسلام بدون تنش و

درگیری نظامی به آرامی پیش رود. فرماندهان به اتفاق راهنما با فاصله گرفتن از راننده جهادی، با کمک دوربین، محل اقامت و چند چادر اقامتی (برزنتی) ضد انقلاب را رؤیت نمودند. اتحادیه کمونیست‌های ایران در سه مقر اقامتی بالای قلعه مَنگلم (چادرهای فرماندهی)، چادرهای میانی (رزمی پشتیبانی) و چادرهای حاشیه رودخانه آلیش‌رود (رزمی نگهبانی) مستقر بودند. کل نیروهای دشمن در جنگل غرب جاده هراز، در همان ابتدا به تدریج تا 180 نفر هم رسید (محمدی فر 1400:60) که، برای طرح اول شبیخون به شهر آمل در 18 آبان آماده شدند. عوامل اطلاعاتی و مردمی، اطلاعات را روزانه از طریق سرگروه‌های دامداران و روستاییان، قرق‌بانان و کارگران معادن، به سمع و حضور نمایندگان جهاد و اطلاعات عملیات سپاه می‌رساندند. (مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، 1402) همین‌طور به نقل از اعترافات دشمن در آذرماه، درست زمان پیاده کردن طرح حمله کمونیست‌های مسلح

به پایگاه نیروهای جمهوری اسلامی مستقر بر ارتفاعات این روستا، حضور یک دامدار اسب‌سوار سبب امتناع حمله دشمن به پایگاه مذکور شد. با این حال به جهت شتابزدگی و ترس از پیش آگاهی نیروهای سپاهی، به رفقای تازه از راه رسیده خودشان تیراندازی نموده و موجب کشتن یکی از رفقای تازه وارد به جنگل شدند. در شانزده آذر 1360 کمونیست‌های مدعیان طرفداری از خلق با تهدید و ارباب شبانه‌ی کارگران و مالداران مستضعف و پیمانکاری طرح بهره‌برداری از جنگل محمدآباد (مرتبط به جهادسازندگی)، ذخیره آذوقه‌ی آنان را به سرقت بردند. (پرنده نوپرواز: 2004). حسب گزارش دیگر، عملیات موفق دی ماه سپاه در مسیر جنگلی جاده‌ی معدن سنگ‌درکا (کشته شدن اکبر اصفهان) و ایجاد چند پایگاه نظامی در اطراف جنگل تحول جدیدی در منفعل کردن نیروهای مسلح دشمن، و ریزش نیروهایشان در جنگل از حدود 180 نفر به 95 نفر موثر بود (پرنده نوپرواز: 2004).

اما دیگر بار ناکام گذاشتن طرح دوم کمونیست‌ها نیز با ظرفیت یک‌صد نیرو، با حماسه‌ی مردمی ششم بهمن 1360 رقم خورد. در همان دقایق اولیه‌ی حمله به شهر، پنج نفر از نیروهای جهادسازندگی (نام‌شان محفوظ است) حسب در خواست تلفنی فرمانده وقت سپاه از مدیران (جهاد سازندگی) با دو خودرو و از دو مسیر شرقی و غربی ساختمان جهاد آمل در بلوار هراز (آفتاب 26) به مقر سپاه مراجعه، دو نفر از جهادگران با یک خودروی جهاد عازم سبزه میدان برای تقویت حفاظت از مخابرات مرکز شهر در مجاورت کانون تجمع و درگیری اطراف بسیج و فرمانداری شدند.

سه نفر نیروهای جهادی با نظر حاج محمد رنجبر در دو مرحله مامور شناسایی موقعیت و تعداد کمونیست‌های مسلح در محل شهادت حسین ملک‌شاهدخت در نیش ده متری اول (فجر 1/7) یک ضلع محاصره مقر سپاه شدند. بار اول یک نیروی جهادی پیاده رفت؛ که ضمن بازجویی از او، به اسارت دشمن در آمد. بار دوم دو نیروی دیگر جهادی با خودرو به دل دشمن زدند. این دونفر پس از بازجویی، بازرسی محمولات داخل خودرو دستگیر و به کوچه آفتاب دو منتقل شدند. پاس‌بخش آن شب جهاد در فرصت مناسب از مسیر فجر 7 (محل شهادت صادق مهدوی) از دست یک مسلح همراه و نزد

افراد دیگر در حلقه‌ی محاصره‌ی ضلع جنوبی سپاه فرار و به صورت زیگزال از آتش رگبار کمونیست‌ها نجات یافت.

او بعد از ده دقیق اسارت، خود را به بلوار شیخ فضل‌الله نوری (جاده نور) به مقر سپاه رساند. از شلیک سرهنگ رودی نگهبان سپاه هم جان سالم برد. نامبرده تا صبح در کنار مرحوم شعبانی فرمانده وقت سپاه به وظیفه‌ی پاسخگویی (رفع و رجوع) تلفن‌ها مشغول شد. اطلاعات او در آن شرایط محاصره حلقه‌ی بلوک جنوبی بسیار ذیقیمت شد. چرا که با یک عملیات امدادی پاسداران در حلقه‌ی بلوک شمالی مقر سپاه برای نجات جان یک زخمی (شهید مجید قلیچ در فجر 4) اطلاعات حلقه دو بلوک شمال و جنوبی محاصره کامل شد. مجموع این دو اطلاعات، سبب یک عملیات نظامی محدود دیگر سپاه با حضور حاج محمد رنجبر شد که از پشت ساختمان روبرو (نبش فجر 7) حلقه‌ی محاصره را شکستند. حضور قبلی نیروهای گروه یزدانی بالای ساختمان ضلع غربی سپاه هم خیلی موثر بود. با توجه به عدم موفقیت دشمن در تسخیر اماکن نظامی و انتظامی در آن شب (به ویژه سپاه) سبب شد، ساعت دو نیمه شب ششم بهمن از اطراف سپاه متفرق شوند.

در این روز، شهادت یکی از نیروهای جهادی به نام احسان طاهری (دانشجو)، مهر تاییدی دیگر بر افتخارات گوناگون و مردمی جهادسازندگی آمل بود. شهید طاهری همانند سایر جهادگران علاوه بر کشیک شبانه مقر جهاد، در فعالیت مردمی پایگاه انجمن اسلامی سجادیه (شهر) و کشیک محله‌ی خود حضور فعالی داشت. او در اواخر شب ششم بهمن هنگام انجام وظیفه و کمک به ارگان‌های نظامی و انتظامی شهر مورد اصابت تیر مستقیم گروهک طیف منافق، معاند و محارب جنگلی قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستانی در تهران، در تاریخ 12 بهمن به فیض شهادت نائل گشت... دشمن در این حمله، دو- سوم نیروهایش را از دست داد. (مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، 1402).

مدیر جهادسازندگی آمل در حماسه

حاج علی‌اوسط شب ششم بهمن نیز با تماس‌های تلفنی با برخی فرماندهان و مقامات ایفای نقش کرد. همانطور که مطرح شد، نیروهای بخش شرقی و آرام شهر مانع ورود جمعیت به مرکز شهر می‌شدند گزارش‌های موجود هم حاکی است که ایشان صبح از منزلش از منطقه مذکور در ابتدای بلوار امام رضا(ع) به کمیته انقلاب اسلامی آمد. (شعبانی، 1394)

سکینه محمدی (خواهر شهید) گفت: "حاج علی‌اوسط ششم بهمن سال 1360 در سمت مدیر جهادسازندگی شهرستان بود. زمان حمله مسلحانه جنگلی‌ها و اشغال بخش مرکزی شهر در طول شب، ارتباط شرق و غرب شهر آمل قطع بود؛ از این رو نتوانست به محل درگیری برود. صبح زود حوالی پل قدیمی دوازده چشمه مرکز شهر، زمان اوج درگیری مسلحانه، داخل کیسه شن می‌ریختیم. خدا گواه است که او کیسه سنگین شن را به دوش خود می‌کشید تا سنگر بسازند. برادر دیگرم حاج عباس هم بودند، کمک می‌کردند. همه ما بدین شکل مبارزه کردیم، ولی او خیلی متفاوت بود، همواره آرزویش شهادت بود." (مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، 1402)

صدرا... بابایی، می‌گوید: "ایشان چند ماهی به عنوان یک فرهنگی، مامور خدمت در جهادسازندگی آمل شدند. منزلم جوار کمیته انقلاب اسلامی، ابتدای

خیابان امام رضا (ع) در منطقه شرقی و تقریباً بدور از صحنه درگیری بود. با این حال، زمان شبخون مهاجمان مسلح به شهر آمل حدود ساعت 23 تا 24 شب برای گرفتن اسلحه، حفظ و حراست شهر به کمیته مراجعه کردم. صبح روز ششم بهمن حاج علی اوسط به کمیته آمد و مرا به عنوان مسئول جوابگویی تلفن های کمیته نمودند. من تا ظهر روز آن روز مشغول جوابگویی و رفع و رجوع تلفن ها بودم. اطلاعات مربوط را به حاج آقای اصغری مسئول وقت کمیته انتقال می دادم. حتی دو تا از جنازه های دشمن را به کمیته آوردند، خودم مشاهده کردم. بعد از سرکوبی سریع مهاجمان کمونیست و فرار عده معدودی از دشمن به باغات جنوبی شهر، به منزل رفتم. بعد از ظهر علی اوسط را دوباره دیدم؛ به او گفتم، شما که دید کافی ندارید، در درگیری شرکت نکنید. گفت: ولش! من باید دمار از منافقین جنگلی در بیاورم!"

داود جلایی از نیروهای جهادی روایت دارد که "آن صبح او را در جهاد دیدم، متن اعلامیه دادگاه انقلاب اسلامی آمل را به من داد تا با بلندگوی خودرو، خطاب به اهالی شهر اطلاع رسانی شود که کمونیست ها را هرجا دیدند به نیروهای نظامی تحویل دهند" (مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، 1402).

جهادگر سیدحسین رضوی پیرامون حماسه آمل چنین می گوید: "همکاران جهاد در روستاها سخنرانی می کردند. من در کمیته فرهنگی شاهد فعالیت خالصانهی حاج علی اوسط در ابعاد فرهنگی هم بودم. در روستای کاسمده هنگام سخنرانی، خیلی تاکید داشت «بلندگوها را به سمت جنگل بگیرید تا افراد مسلح ضد انقلاب بفهمند، کاری که ما می کنیم، براساس مکتب مان بصورت آگاهانه و خدایی می باشد». شجاعت و ترسی او را در آنجا مشاهده کردم. قصد داشت همگان بفهمند و بشنوند ما مرد مقاومت و شجاعت هستیم. همه ی ما، هیچ گاه از دفاع از کیان اسلامی و ایران عزیزمان یک لحظه غفلت نمی کنیم." (مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، 1402)

اسماعیل رجبی؛ می گوید: "حاج علی اوسط در واقع رئیس جهادسازندگی و مسئول پشتیبانی جنگ بود. من هم در خدمات اداره آموزش و پرورش مسئول بودم. با هماهنگی هم، کمک های مردمی برای جبهه و جنگ جمع آوری و ارسال می کردیم. از جمله اختصاص خودرو جهت حمل مجروحین حماسه مقاومت اسلامی ششم بهمن سال 1360 نیز بنا به تاکید او انجام گرفت." (مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، 1402)

دکتر رمضان طهماسبی نیز چنین روایت می کند: "نقش جهاد در جریان جنگل و حماسه ششم بهمن 1360 آمل بی بدیل است. ما به جهت حساسیت جریانات سال 1360 کشور و جنگل آمل، در محل کار ستادی مان در بلوار امام خمینی ره، آفتاب 26، همه ما جهادگران، شب ها دوره ای نگهبانی می دادیم. آن شب (ششم بهمن) نگهبان جهاد نبودم. حدود هفت صبح از منزل خارج شدم. در حال آمدن به جهادسازندگی واقع در خیابان هراز (بلوار امام)، یکی دو نیروی مسلح را در مرکز شهر، ضلع غربی ساختمان فرمانداری و بسیج، (محل ورودی بازار چهار سو روبروی پل) دیدم؛ آنان جنگلی بودند. سریع به محله خودمان (چاکسر) برگشتم. آن وقت صبح به انجمن اسلامی مسجد مسلم بن عقیل رفتم. مجدداً به اتفاق اکبر بابایی با موتورسیکلت از مسیر

بازار و مسجد جامع به خیابان مهدیه مراجعه داشتم. ساعت هشت صبح روز ششم بهمن بود. از جنگلی‌ها خبری در محل قبلی نبود... اما اکبر بابایی تنها با موتورسیکلت از خیابان شرقی شهرداری به سمت ساختمان بسیج رفت. با فاصله صد متر از ما تیر مستقیم به او خورد. ما همانجا، ورودی چهارسو با کمک اصغر بابایی و مردم مشغول ساختن سنگر شدیم." (مصاحبه با

جهادگران حماسه ششم بهمن، 1402)

ایوب بابایی، چنین روایت کرد: "قبل از آمدنم به جهاد آمل، به عنوان نیروی بسیجی از سپاه تهران در دفتر نمایندگی امام خمینی «ره» در مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور، روحانیت اهل سنت کرد را تحت پوشش داشتیم. در سال 1359 و در اوج بحران‌ها و اغتشاشات داخلی، روحانیت اهل سنت کردستان، اکثریت آنها تابع محض حکومت و در خدمت دولت و نظام بودند. در سال‌های اول پیروزی انقلاب، نابسامانی‌ها و بلوای ناشی از دامن زدن به قومیت‌گرایی و تجزیه طلبی در گوشه و کنار کشور که بوجود آمد؛ بیشتر آنها از طرف عوامل داخلی استکبار جهانی، احزاب کوموله و دموکرات و گروهک‌های سیاسی ضد انقلاب بود، از مردم نبود. به لحاظ فرهنگی، سیاسی اجتماعی، عقیدتی و اقتصادی منطقه کردنشین تحت پوشش مرکز بزرگ اسلامی کشور در سنندج و دارای شعباتی در شهرستان‌ها مثل بانه، سقز، سردشت و مریوان و... بود... به یاد دارم گروهک اتحادیه کمونیستهای ایران نیز در کنار کومله و دموکرات‌ها در کردستان فعال بود، ولی کاری از پیش نبرد، به تهران آمدند. در غایله چهارده اسفند 1359 دانشگاه تهران با جریان منحرف بنی‌صدر و سایر گروهک‌های ضدانقلاب همراهی داشتند... و چون با عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری در سی و یک خرداد 1360، تهران برای‌شان نا امن شد به جنگل‌های آمل پناه آوردند. مردم جان برکف آمل با غیرت دینی بالا در مقابل شیخون افراد مسلح کمونیست، آتش به اختیار عمل نموده و شکست تاریخی بر آنان تحمیل کردند. راوی تاکید داشت: نقش نهاد مردمی جهادسازندگی زمان مدیریت حاج علی‌اوسط در حماسه اسلامی ششم بهمن، نیاز به بررسی گسترده و عمیق دارد." (مصاحبه با جهادگران حماسه ششم بهمن، 1402)

نتیجه گیری :

حضرت امام به عنوان ولی فقیه زمان از حماسه‌ی آمل بارها به نیکی یاد می‌کند؛ از جمله: «مردم آمل چنان توی دهن مهاجمین زدند که نتوانستند چند ساعت مقاومت کنند... دیدید که مردم آمل چه به روزتان آوردند» برای همیشه در تاریخ ثبت شد. پیامد آن شکست تاریخی عوامل داخلی و همچنین فروپاشی ایدئولوژی حاکم در اتحاد جماهیر شوروی و چین کمونیستی برای ملت ما و انقلاب اسلامی نوید بخش بود که این تفکر الحادی به زباله‌دانی تاریخ پیوست. جهاد به عنوان یک ارزش و یک فرهنگ شناخته شده است. جهاد سازندگی نشان داد که چگونه باید روح معنوی و ارزشهای الهی و عبادی را با کار اجرایی در هم آمیخت و براساس آنها تعریفی نوین از دستگاه اجرایی عرضه کرد. در راستای تمدن‌سازی جامعه اسلامی، علاوه بر داشتن بصیرت دینی و سیاسی، تامین امنیت با حضور همه جانبه دولت و مردم در برابر صف‌بندی‌های جامعه‌ی جهانی، امری اجتناب ناپذیر است. به عبارتی در دو مقوله‌ی «تامین امنیت» و «ارایه‌ی خدمات جهادی»، با راهبرد «اقتصاد

مقاومتی»، هرگونه غفلت و کوتاهی از سوی عامه مردم و (به‌ویژه) خواص، جایز نیست. اما می‌بینیم، برخی از قطار انقلاب اسلامی جامانده، برخی هم از سر ستیز و محاربه با آن وارد شده‌اند، درحالی‌که از طرفی، خدمت به مردم بر مبنای قسط و عدل نیاز جامعه انقلابی و درچارچوب‌های قانون اساسی، مورد رضایت و خواست عموم مردم است. در این رابطه، همه باید کمک کنند. از طرف دیگر همه در معرض ابتلائات بوده و آزمون‌هایی در پیش داریم. هرگونه از اسراف و تبذیر گسترده همراه با زرق و برق‌های خیره‌کننده‌ی (شرک‌آلود) دنیوی؛ چه از طریق خودباختگی فرهنگی و علمی؛ سوء استفاده از جایگاه حکمرانی و مقام‌پرستی‌های جوراجور؛ و چه مال‌اندوزی‌ها و (درست‌تر) مال‌پرستی‌های رنگارنگ، خود ضد روحیه جهادی و جبهه‌ی سازندگی و مقاومت اسلامی بوده، در رابطه با امنیت پایدار عکس آن عمل می‌کند. در سال‌های اول تثبیت انقلاب اسلامی در کنار تأمین امنیت همه‌جانبه، الگوهای جهادی به ما درس زندگی و فعالیت اجتماعی آموخته و هنوز مانند الگویی متعالی و نورانی در ذهن‌ها نقش بسته است؛ محیط زندگی ما را در دل تاریکی‌ها، برخی زد و بندها و برخوردهای سیاسی و ستیزه‌جویانه‌ی انباشته از گذشته روشنایی می‌بخشند. حرکت جهادی، اهدافی متعالی را دنبال می‌کند؛ هم نیاز همه اعصار یک جامعه‌ی اسلامی و انقلابی است. با اقدامات جهادی از صراط مستقیم (امامت و رهبری) و راه شهدا فاصله نمی‌گیریم، در این راستا هدف‌مند خود را وقف امور مردم کرده، در حفظ بیت المال، بسیار پرتلاش و سخت‌گیرند. با حق‌کشی، کج‌روی‌ها و جنایت و فساد اصلاً دم‌ساز نبوده و نیستند. در حساب و کتاب حق‌الناس (و بیت‌المال) مراقبت ویژه دارند، این منش اجتماعی سیاسی براساس قسط و عدل خود امنیت‌ساز بوده و هست. اقدامات ایجابی و سلبی را در سایه رهبری ولی امر مسلمین باهم و هدفمند به جلو می‌برند. اما در برابر عده‌ای که اغلب به عوامل خارج مرزها وابسته‌اند، با مشی تبلیغاتی مخرب، هجمه روانی و جنگ ترکیبی که همراه با استکبار جهانی عمل می‌کنند، در جهت حفظ منافع مردم و تحکیم ارزش‌های حاکم بر جامعه، در مقابل ناگزیر به دفاع هستیم. جهاد به عنوان یک نهاد خودجوش از بین مردم ایشارگر بوجود آمد و با عمیق تر شدن ریشه‌های انقلاب، این نهاد مانند نهادهای دیگر (کمیتة و سپاه) دارای ارزش اجتماعی بالایی شد. لذا پیوستن به جهاد مانند پیوستن به سپاه و کمیتة با ارزش شد و بسیاری از افراد مایل به عضویت در آن شدند، در این نوشتار تلاش شد، با تبیین اجمالی زمینه‌ی تاثیر مستقیم و غیر مستقیم دامنه‌ی وسیع کار جهادی، از نقش پر رنگ جهادسازندگی به عنوان نهادی با ارزش که با اندیشه‌ها و راه کنش ولی فقیه تاسیس شده است در حماسه‌سازی مقاومت اسلامی سال 1360 مردم آمل در ابعاد فرهنگی، امنیتی و نظامی برای اولین بار پرده‌برداری شود؛ تا حق مطلب در رابطه با الگوی مدیریت جهادی و تلاش گسترده جهادگران شهرستان آمل تا حدودی ادا شود.

منابع :

امام خمینی (1389) صحیفه امام ، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

پایگاه رسمی سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس (2015) <https://defadocs.ir>
پایگاه رسمی نشر اندیشه های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران
<http://www.imam-khomeini.ir/fa/n>

پرنده نوپرواز (2004)، اسامی و مشخصات اعدام و کشته شدگان اتحادیه کمونیستها

خانی، مهدی(1395)، تجربیاتی از حماسه آمل؛ ششم بهمن 1360، آمل:
پایگاه اطلاع رسانی حماسه آمل، مجتمع فرهنگی عاشورا
شعبانی، ناصر(1394)، مقاومت مردمی در حماسه آمل، تهران: مرکز اسناد
انقلاب اسلامی

عیوضی، محمدرحیم (1386) آسیب شناسی انقلاب اسلامی، ج چهارم.
تهران ، سازمان انتشارات

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

فروزنده لطف الله (1399) ارائه الگوی نهادسازی در انقلاب اسلامی بر
اساس گفتمان امام و رهبری، **فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک**
سال هجدهم، شماره 97، بهار 99

محمدی فر، مهدی (1400)، جبهه شمالی، مروری بر عملکرد قرارگاه حضرت
ابوالفضل(ع) در مدیریت بحران جنگل، سرو سرخ وابسته به اداره کل حفظ
آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان مازندران) مصاحبه با جهاگران
حماسه ششم بهمن، مرکز اسناد ستاد مردمی گرامیداشت حماسه اسلامی
ششم بهمن آمل،(1402)